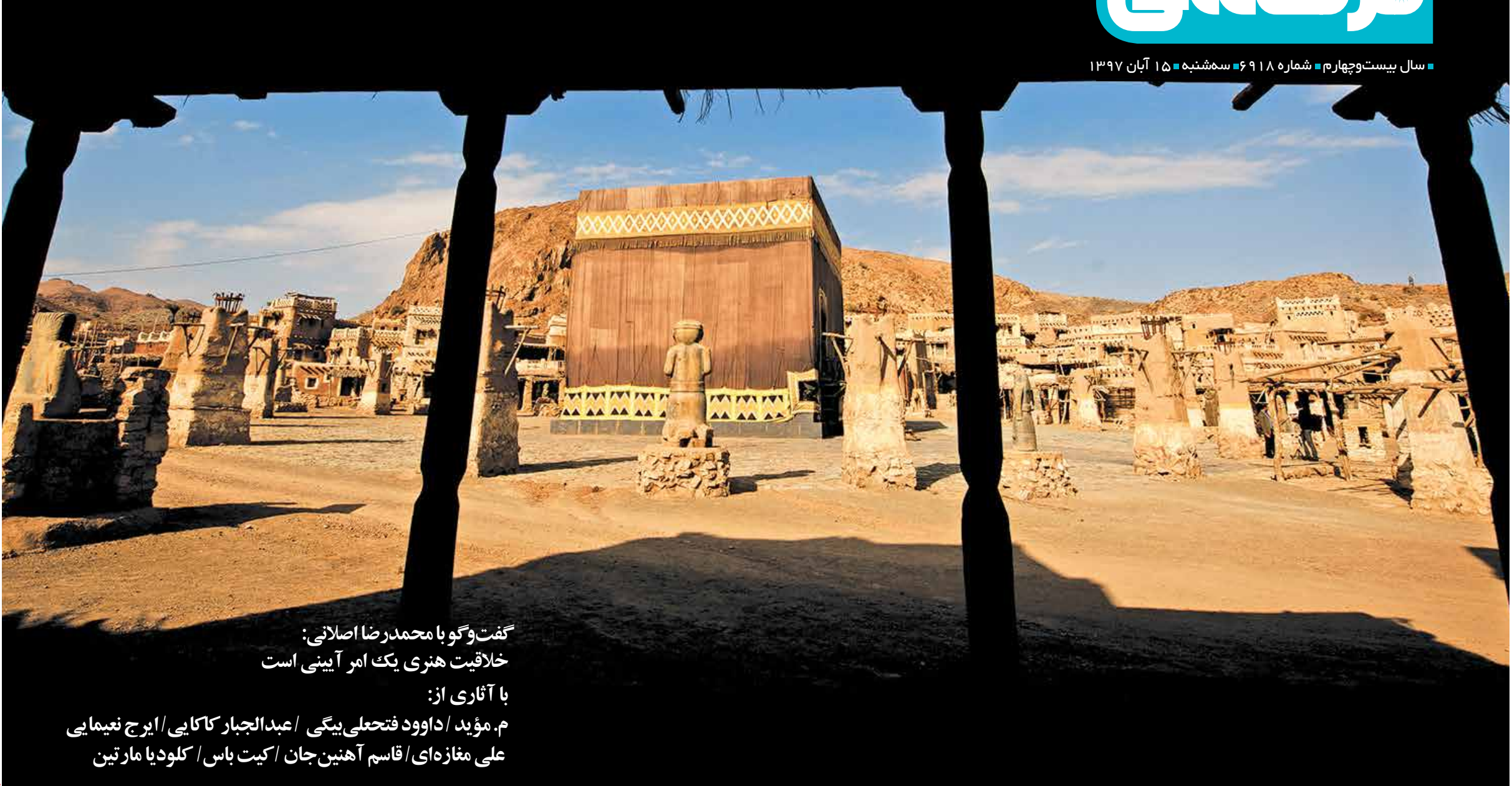


# آیین در سپهر هنر و ادب ایرانی



**گفت‌و‌گو با محمدرضا اصلانی:**

**خلاقت هنری یک امر آیینی است**

**با آثاری از:**

**م. مؤید / داوود فتحعلی بیگی / عبدالجبار کاکایی / ابرح نیمایی**

**علی مغازه‌ای / قاسم آهنین جان / کیت باس / کلودیا مار تین**

نمایی از دکور فیلم محمد رسول اللّٰص) ساخته مجید مجیدی/ تصویری از خانه کعبه در سالهای پیش از بعثت

## پژوهش، چشم اسفند یار هنرهای آیینی ماست

**محمد حسین ناصر بخت از وضعیت تعزیه و حمایت اندک از آیین‌های نمایش ایرانی می‌گوید**

**مینا صفر**

تاکنون نگاهی که از طرف اغلب متولیان هنر کشور به آیین‌های نمایشی ما شده است فارغ از بسترهای اصلی‌شان که همان تکایا و مجالس خودجوش مردمی بوده است، نگاهی موزه‌ای بوده و کمتر پیش آمده و به چشم دیده‌ایم تلاشی مؤثر و مستمر جهت حفظ، اشاعه و بهره‌برداری پویا از این آیین‌های ارزشمند سامان بپذیرد؛ هر چه تا امروز رخ داده محصول فعالیت و خون جگر خوردن تک‌ستاره‌های درخشان عرصه تئاتر ایران بوده که بعضاً به‌واسطه شاگردانشان ادامه‌دار شده است. امثال بهرام بیضایی تعدادشان به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد که برای آیین‌های نمایشی و استفاده به‌روز و نه موزه‌ای، از آنها درسوزی‌ها گرفته‌اند. در این میان نقش محققان و پژوهشگران واقعی این عرصه که تعداد آنها هم از انگشتان دودست فراتر نمی‌رود انکارناپذیر بوده. محمد حسین ناصر بخت یکی از همین پژوهشگران است. او پژوهشگر، استاد دانشگاه و عضو هیأت‌مدیره انجمن تعزیه ایران است و همواره یکی از ارکان ثابت فعالیت در زمینه آیین‌های نمایشی در ایران بوده است. درباره آسیب‌های این عرصه و مسیر دشوار پیش‌رو برای نشان‌دار کردن و ایفای نقش‌های پررنگ‌تر آیین‌های نمایشی در عرصه هنرهای نمایشی ایران با او گفت‌و‌گو کرده‌ایم.

و شبیه خوانی‌ها در حال فراموش شدن هستند. اگر شما هم با این نظر موافق هستید، چه راهکاری می‌توان برای زنده نگاه داشتن این آیین‌ها در نظر گرفت؟

راه‌اندازی بنیاد شبیه خوانی که یکی از پیشنهادهای ما در جریان ثبت جهانی آن به‌عنوان میراث معنوی ناملموس ایرانیان بود و در پرونده ثبت نیز آمده است در این زمینه باید نخستین گام راه‌اندازی این بنیاد باشد. در این بنیاد ایجاد مکانی دائمی برای اجرا، تشکیل گروه‌های نمونه، تولید مجالس نمونه، اجرای مجالس آشنا و غریب بر اساس تجربیات پیشکسوتان، حمایت از شبیه خوانان فعال و ایجاد امکان آموزش جوانان علاقه‌مند در سطح هنرستان و دانشگاه، ایجاد پژوهشگاه شبیه‌خوانی، ایجاد رشته‌ای پژوهشی در این زمینه در سطح تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) و امکان نشر اسناد و پژوهش‌ها، ایجاد موزه شبیه خوانی، بانک اطلاعاتی و آرشیوی از نسخ و اجراها و فراهم آوردن امکان پژوهشی سازمان یافته پیش‌بینی شده بود که برای انجام این پروژه باید ابتدا سازمان میراث فرهنگی به‌عنوان متصدی اصلی قدم اول را برداشته و سپس مرکز هنرهای نمایشی و مراکز آموزشی از نسخ و آموزش و پرورش به‌عنوان یاران اصلی در این زمینه اقدام نمایند.

البته اجرا در مناسبت‌های آیینی و در زمان و مکان مناسب اجرای آیین، فرصتی برای درک تمام و کمال این نمایش آیینی است اما برای اینکه بتوان شبیه خوانی را با تمام تحولاتی که در گذر زمان برای شبیه نامه‌ها و اجرا پیش آمده است، مورد ارزیابی قرار داد و مجالس متنوع آن را که حداقل پانصد بی‌رنگ متفاوت آن در نسخی با زمینه‌های متفاوت شناسایی شده‌اند، از منظر ویژگی‌های متن و اجرا بررسی کرد حتماً نیاز به وجود مکان یا بهتر است با توجه به زمینه‌های شاخص نسخ بگویم، مکان‌هایی ویژه و ثابت برای اجرای این نمایش آیینی و سنتی در طول سال است تا آیین ورزان، هنرمندان و پژوهشگران نمایش و گردشگران بتوانند آن را در مکانی مناسب اجرایش، مشاهده کنند و بی‌شک این مکان باید با الگو گرفتن از تکایای تعزیه طراحی شده و در محلی قرار داشته باشد که دسترسی مردم به آن ساده باشد زیرا تماشاگران یا بهتر است بگویم اهل مجلس از ارکان اصلی شبیه‌خوانی هستند.

یکی از نکاتی که بشدت مورد غفلت قرار گرفته، این است که ما انواع شبیه خوانی داشته‌ایم که بسیاری از آنها نه تنها مختص ایام سوگواری نبوده‌اند بلکه در زمان برگزاری مراسم شاد از آنها استفاده می‌شد و بسیاری معتقدند که این آیین‌ها

### در بی‌مرزی شعر و آیین

زبان، نظامی قراردادی است. مایپوسته با زبان و در زبان زندگی می‌کنیم اما با وجود حضور کاستی‌ناپذیر آن در زندگی روزمره، معمولاً التفاتی به وجه قراردادی آن نداریم؛ چرا که قراردادهای این نظام نشانه‌ای، ازلی نیستند و برساخته انسان‌ها هستند و حاصل توافق میان آنها. حال اگر در نگاه ناظر بر نسبت «هنر» و «آیین» این دو کلمه را در قامت دو قرارداد به یاد بیاوریم، آن وقت شاید بتوانیم قدری از مابه‌ازای معنایی آنها در ذهن مان عبور کنیم و به چیزی فراتر از معنای ظاهری‌شان برسیم.

اما و اما به قول بورخس «این هنر شعر»، چرا «شعر» را باید در نسبیتی تنگناتک با آیین دانست؟ وجه اشتراک شعر و آیین چیست؟ برای رسیدن به پاسخی هرچند احتمالی به این پرسش‌ها باید از سطح دریافت‌های مألوف از این دو پدیده فراتر برویم. رومن یاکوبسن، بنیانگذار مکتب زبان‌شناسی پراگ معتقد است که «وقتی زبان از خودش سخن می‌گوید، شعر آغاز می‌شود.» یعنی جایی که زبان خود را در نامیدن اشیا و پدیده‌های جهان ناکام می‌یابد، به خودش برمی‌گردد تا خود را از نو بسازد و امکانی تازه را به امکانات تاکنونی خود بیفزاید. این بازگشت به خود و حرکت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در درون خود برای نو شدن، آیا ویژگی همه آیین‌ها نیست؟ آیا آیین‌ها نمی‌خواهند شرکت‌کننده را به سفری درونی ببرند و از رهگذر این بازگشت به درون، امکان نو شدن و بازیابی را به او بدهند؟

منتقدی وطنی شاعر خوب را شاعری دانسته که انگار همیشه «در سپیده‌دم زبان ایستاده است». یعنی انگار زبان را از نو می‌سازد. این از نو ساختن در گرو امر خلاقه و نیازمند شهود و مکاشفه است و شعر، چندان که مورد توافق تقریباً همه ماست، بدون این جنبه شهودی و اسرارآمیز اصلاً پدید نمی‌آید. موقعیتی سری که شاعر از راز آن پرده برنمی‌دارد بلکه خود نیز در آن مستحیل می‌شود. دقیقاً هم‌وشان با توصیفی از آیین که آیین را حرکتی رازآمیز از نقطه‌ای طبیعی به نقطه‌ای فراطبیعی می‌داند. در سیری درون‌گرایانه و البته تعریف‌ناپذیر. از این منظر شعر هم که حرکت زبان به درون خویش است و سیری است در راه‌های رفته، ناشناخته و تاریک زبان، همین خاصیت جنبشی، کشف و البته اسرارآمیز را دارد.

آیین رفتاری جست‌وجوگرانه است در ظاهری متعارف و مرسوم؛ سهل و ممتنع، درست مانند شعر. جست‌وجویی از آن دست بی‌وقفه و بی‌نهایت شبیه عمری که شاعر «سنگ قبرها»، «لبریکته‌ها» و «دریایی‌ها» می‌گوید پای آن «لغت تنها» گذاشته و سرآخر پرده‌برداری از آن را ناممکن یافته و این حقیقت را در فتح باب کتابی با مخاطبش بازگفته است: «... این شعرها از تلاوم چیزی در من و از تلاوم من در چیزی خبر می‌دهد و مرا به فکر می‌برد که چرا آن «چیز»، هیچ‌وقت نام خودش را با من نگفت.»

✽ در جست‌وجوی آن لغت تنها، یدالله رویایی، ص ۱۱، انتشارات نگاه

**یادداشت**



**بهنام سوری**

■ معمولاً تعزیه به‌صورت سینه‌به‌سینه به نسل‌های آینده منتقل می‌شده است. با توجه به اینکه جامعه ما هم به سمت مدرنیسم حرکت کرده است، آیا لزوم تأسیس رشته دانشگاهی در این زمینه احساس نمی‌شود؟

با توجه به تجربه سایر کشورهای جهان چون هند، چین، ژاپن و... که پدیده‌هایی مشابه در آنها وجود دارد، توجه به آموزش در راستای احیا و گسترش این نمایش‌ها یکی از پیشنهادهای همیشگی علاقه‌مندان به نمایش‌های سنتی همین بحث بوده است و می‌توان با تأسیس این رشته در سطوح هنرستان و مقطع کارشناسی در دانشگاه برای تربیت هنرمندان و تأسیس رشته‌های پژوهشی در مقاطع کارشناسی ارشد



و دکتری برای تربیت مدرسین و پژوهشگران آن برنامه‌ریزی کرد.

■ یکی از مهم‌ترین ارکان تعزیه، موسیقی است و معمولاً در مرخطه‌ای از موسیقی همان منطقه برای اجرای تعزیه شبیه‌خوانی استفاده می‌شود. آیا از دید شما نیاز به جمع‌آوری این موسیقی هاونت‌نویسی و آموزش آنها به نسل جوان احساس نمی‌شود؟

در تمامی عرصه‌ها این خطر مشاهده می‌شود و در زمینه موسیقی باید پژوهشگران این عرصه به یاری نمایش پژوهان و شبیه خوانان بیایند. البته پژوهش‌هایی هرچند اندک نسبت به حجم کار باقیمانده، توسط بزرگانی چون محمدتقی مسعودیه، عنایت‌الله شهیدی و... انجام پذیرفته است اما به نسبت گنجینه بزرگی که در این زمینه در هنر شبیه خوانی جمع آمده است چنانکه گفتم کار انجام شده بسیار اندک است؛ و البته همه این‌ها در قالب آن بنیاد شبیه‌خوانی و پژوهشگاهش، اگر تشکیل شود، عملی خواهد بود. به امید آن روز!

محمد رحمانیان، داوود فتحعلی بیگی، حمید امجد، اصغر دشتی و... مشاهده کرد اما بی‌شک این مسیر باید پی گرفته شود.

■ یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند به بهتر شناخته شدن آیین‌ها خصوصاً میان هنرمندان کمک کند، منابع پژوهشی است. چه میزان در زمینه آیین‌های نمایشی تحقیق و مذاقه صورت گرفته است و آیا نسبت به انتشار و سپس معرفی این آثار به هنرمندان و عموم مردم کاری جدی انجام شده است؟ یکی از مهم‌ترین ابزارهای کار یک تعزیه‌خوان نسخ تعزیه هستند. آیا نسبت به جمع‌آوری و ارائه نسخ کهن به نسل جوان اقدام جدی صورت گرفته است؟

هر روز، به دلیل کهنوت سن مراجع اصلی در زمینه اجرا که شبیه خوانان پیشکسوت هستند، بخشی از تجربه‌ها از دست می‌روند. این اقدامات خوب است اما به هیچ‌وجه، حتی اگر انجام پذیرد، کافی نیست.

■ بسیاری معتقد هستند بسیار کمتر از آنچه در شعرهای مسؤلان مطرح می‌شود به تئاتر ایرانی و آیین‌های ما پرداخته می‌شود. آیا شما هم با این نظر موافق هستید؟ به‌عنوان مثال دوسالانه بودن جشنواره بین‌المللی تئاتر آیینی و سنتی می‌تواند جوابگوی نیاز جامعه ما، چه مردم عادی و چه هنرمندان تئاتر برای آشنایی با آیین‌ها و سنت‌های مایاشد؟

نمی‌خواهم حرف تکراری بزنم اما با قاطعیت می‌توان گفت که هنوز نیز حداقل در مورد همین مجالس تعزیه مناسبتی ماه‌های محرم و صفر و... بهترین سرمایه‌گذاران مردم هستند و نه مسئولان؛ زیرا برای اجرا بودجه بیشتر اختصاص می‌دهند، بهترین و مناسب‌ترین مکان و زمان را در نظر می‌گیرند و خود نیز بیشترین مشارکت را به‌عنوان مخاطب دارند. ■ یکی از مسائلی که می‌تواند آیین‌ها و رسوم کشورها و ملت‌ها را زنده نگاه دارد، استفاده از این آیین‌ها در قالب امروزی است. آیا در کشور ما از سوی هنرمندان استفاده درستی از آیین‌های نمایشی کهن می‌شود؟ من حرف شما را در مورد استفاده از آیین کهن در قالب امروزی متوجه نمی‌شوم. آیین کهن را نمی‌شود مدرن کرد. مدرنیسم قالب و اشکال مورد نیاز خود را می‌طلبد؛ اما اگر مقصود شما استفاده از برخی ویژگی‌ها یا مضامین موجود در نمایش‌های آیینی و سنتی در تئاتر و اجرای معاصر است باید بگویم که می‌توان نمونه‌های موفقی را در آثار استادان و هنرمندانی چون بهرام بیضایی،